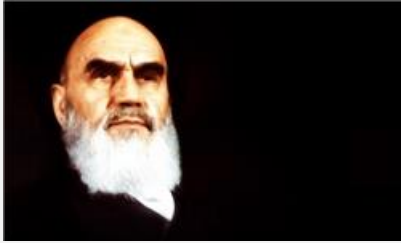


شاخص‌های مکتب امام

انقلاب اسلامی، شیفت پارادایمی از جهان‌بینی ماتریالیستی به جهان‌بینی توحیدی؛



انقلاب اسلامی، شیفت پارادایمی از جهان‌بینی ماتریالیستی به جهان‌بینی توحیدی؛
شاخص‌های مکتب امام

اگر انقلاب اسلامی در این سی‌وپنج سال قدرتمند نشده بود، چرا حملات دشمنانش خصوصاً استکبار جهانی روزبه‌روز افزوده‌تر می‌شود؟ اگر ما ضعیف و نحیف شده بودیم، این همه هزینه برای حمله و هجمه به آن لازم نبود.

بدیهی است امام خمینی یکی از بزرگ‌ترین متفکران عالم سیاست است که علاوه بر اندیشه‌ورزی، در عمل نیز توفیق ایجاد بزرگ‌ترین انقلاب در دوره‌ی معاصر را پیدا کرد. انقلابی که به‌رغم مشکلات و دشمنی‌های بسیار، توانسته است مسیر رشد و پیشرفت خود را طی کند. انقلابی که بر خلاف سایر انقلاب‌های دوران مدرن، مبتنی بر آموزه‌های الهی است. مطالعه‌ی نظریات سیاسی که تاکنون دست‌کم از دوره‌ی رنسانس به این‌سو طرح شده است و مبنای تعاملات کشورهای کنونی دنیاست، نشان می‌دهد که در تمام آن‌ها سیاست و سایر مقولات زندگی تهی از معنویت و عاری از ارزش‌های اخلاقی است، اما انقلاب اسلامی ایران خوانشی نو ارائه کرده است. در این نوشتار، سعی شده است شاخصه‌های مهم مکتب امام خمینی را در قالب ده عنوان مرور کنیم:

باور به هستی‌شناسی و انسانی‌شناسی الهی

از منظر امام خمینی، جهان منحصر در عالم ماده نیست؛ بلکه عالم ماده تنها یکی از عوالم وجود و اتفاقاً به لحاظ کمالات پایین‌ترین آن‌هاست. در این دیدگاه، خداوند متعال به‌عنوان بالاترین حقیقت هستی است که خالق همه‌ی عوالم و از جمله انسان است. انسان نیز مخلوقی است که تمام هستی و نعمت خود را از خدای متعال داراست. او به این دنیا آمده است تا به مدد حس و عقل و در پرتو وحی به کمال حقیقی انسانی برسد. قهر¹ از پس این دنیا نیز عالمی دیگر وجود دارد که همه‌ی انسان‌ها در آنجا حقیقت خویشتن خویش و پاداش و جزای اعمالشان را خواهند چشید.^[1] خداوند متعال و نیز ملائکه، ناظر بر کردار و رفتار ما آدمیان هستند^[2] و اعمالمان را ثبت و ضبط می‌کنند.^[3] امام خمینی بارها در آثار خود این مسئله را مورد بحث قرار داده‌اند.^[4] به همین سبب است که ایشان در توصیه‌های مکرر خود به نهادها و ارگان‌های دولتی،^[5] نمایندگان مجلس شورای اسلامی،^[6] قوه‌ی قضائیه،^[7] رئیس‌جمهور^[8] و... از آن‌ها می‌خواستند که در تمام امور همواره خداوند متعال را حاضر و ناظر بر رفتار و بر قلوبشان و در یک سخن آگاه بر نهان و آشکار خود بدانند^[9] و نیز خود را در محضر خدا ببینند و می‌فرمودند: «ما باید خودمان را در محضر خدا ببینیم در همه‌وقت و خدای تبارک و تعالی حاضر و ناظر است بر اقوال ما، بر قلوب ما، بر همه چیز حاضر است و در محضر او واقع می‌شود.»^[10] و این سخن معروف که: «عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید.»^[11]

در اینجا نباید پنداشت که این‌ها اموری صرفاً ذهنی و نظری و بی‌ربط به زندگی بشری و خدای ناکرده ایدئالیستی و از عمل‌گرایی به‌دور است؛ بلکه به‌عکس، به باور امام خمینی، اتفاقاً این نگاه موجب رعایت عدل و انصاف در جامعه خواهد شد^[12] و از قِبَل آن کارگزاران از فساد می‌مانند و در خدمت مردم قرار خواهند گرفت.^[13] به تعبیر ایشان: «اگر انسان یقین کند و ایمان بیاورد که تمام عوالم ظاهر و باطن محضر ربوبی است و حق تعالی در همه جا حاضر و ناظر است، با حضور حق و نعمت حق امکان ندارد مرتکب گناه شود.»^[14]

تلاش برای احیاء و اجرای اسلام ناب

از نظر امام خمینی، «اسلام» یک اصل مهم است که باید تمامی تکاپوها برای احیا و عملیاتی کردن آن باشد. با دقت در سخن و سیره‌ی ایشان به‌خوبی می‌توان دریافت که دغدغه‌ی اصلی رهبر کبیر انقلاب، اسلام است. به‌عنوان نمونه، انقلاب اسلامی ایران، یکی از دستاوردهای مهم ایشان بر اساس همین دغدغه شکل گرفته است.

رهبر کبیر انقلاب بارها درباره‌ی فلسفه‌ی نهضت می‌فرمودند که ما برای اسلام و احیای آن، نهضت کرده‌ایم^[15] و انگیزه‌ی فداکاری‌های ملت نیز «اسلام» است^[16] و اینکه «انقلاب ما صددرصد اسلامی است و خط‌مشی و هدف‌ها و راه‌های آن از

اسلام، الهام می‌گیرد» [17] از این منظر، ماهیت نظام، اسلامی است و هر حرکتی را که بر خلاف آن باشد، مردود می‌دانستند. [18]

جالب توجه اینکه اصولاً در هر انقلابی رهبر آن نهضت، نقش بسیار مهمی دارد؛ لکن امام خمینی تصریح می‌کردند که در این انقلاب، بالاترین نقش را «اسلام» دارد و اسلام از تمام امور بالاتر است و حتی خود ایشان نیز حق ندارند خلاف اسلام اقدامی نمایند و می‌فرمودند:

«از گوشه‌ی زندان نباید ترسید... باید اسلام بماند و قرآن هم بماند. خمینی از بین برود، برود؛ دیگری هم از بین برود، برود. هدف ما حفظ اسلام و قرآن است، نه حفظ دنیای خود.» [19]

در همین راستا، با اینکه انقلاب اهداف مختلفی مانند استقلال، آزادی و... را دنبال می‌کرد، امام همه‌ی این‌ها را در پرتو اسلام می‌خواستند و نه منهای اسلام و می‌فرمودند:

«مسیر ما اسلام است؛ ما اسلام می‌خواهیم. ما آزادی که اسلام تو [ی] آن نباشد نمی‌خواهیم. ما استقلالی که اسلام تو [ی] آن نباشد نمی‌خواهیم. ما اسلام می‌خواهیم. آزادی که در پناه اسلام است، استقلالی که در پناه اسلام است ما می‌خواهیم. ما آزادی و استقلال بی‌اسلام به چه دردمان می‌خورد؟ وقتی اسلام نباشد، وقتی پیغمبر اسلام مطرح نباشد، وقتی قرآن اسلام مطرح نباشد، هزار تا آزادی باشد. ممالک دیگر هم آزادی دارند. ما آن را نمی‌خواهیم... ما آزادی در پناه اسلام می‌خواهیم، استقلال در پناه اسلام می‌خواهیم، اساس مطلب اسلام است.» [20]

اسلام و تأمین منافع دنیوی

شاید گمان شود که دین اسلام تنها تأمین‌کننده‌ی آخرت انسان است و به اصطلاح برای آبادانی آخرت آمده است و با دنیا بیگانه است. در صورتی که این سخن درباره‌ی دین اسلام ناصواب است. انسان‌ها تا در مزرعه‌ی دنیا تلاش و توشه نیندازند، در آخرت به متاعی نخواهند رسید. ضمن اینکه بررسی محتوایی دین اسلام، که مشحون از احکام اجتماعی و سیاسی است، به‌خوبی اعلان می‌دارد که اسلام دینی سکولار و کناره از دنیا نیست. دست‌کم اسلام مبارزه با ظلم را بیش از هر آیینی به‌خوبی و به‌درستی به پیروان خود آموزش داده است و مؤلفه‌های فراوانی در انسان‌سازی و عزت‌طلبی دارد و تاریخ اسلام تا پیش از دوران معاصر و ظهور پدیده‌ی زشت استعمار مؤید این حقیقت است. اینکه دنیای اسلام در دوران معاصر، یعنی در 200-300 ساله‌ی اخیر از پیشرفت صنعتی و تکنولوژیکی جدید عقب مانده است، به دلیل دورشدگی دنیای اسلام از محتوای اسلامی است که در جای خود تحلیلی شایسته و ضروری را می‌طلبد.

به هر جهت، اسلامی اندیشیدن مانند چند مؤلفه‌ی پیش‌گفته، هم موجب مردمی بودن است و هم موجبات حفظ منافع ملی است. اسلام مکتبی است که دین و دنیای ما را تأمین خواهد نمود. بدیهی است که دین اسلام مانند مسیحیت سنتی نیست که به اعراض از دنیا توصیه کند یا همچون دین یهود نیست که تنها به دنیا چشم دوزد و از عقبی کناره گیرد. [21] بنابراین چه اهل دنیا باشیم و چه اهل آخرت، باید که اسلام را نقشه‌ی راه خود قرار دهیم. به تعبیر زیبایی امام خمینی:

«باید ما در فکر اسلام باشیم. اگر در فکر خودمان هم هستیم، اگر فکر منافع خودمان هم هستیم، باید فکر اسلام باشیم که اسلام منافع ما را تأمین می‌کند. اگر ما اهل دین هستیم که باید اسلام را با چنگ و دندان حفظ بکنیم و اگر اهل دنیا هستیم، دنیای ما هم به اسلام بستگی دارد.» [22]

با این حال، متأسفانه شاید برخی بپندارند که اسلام‌گرایی در تقابل با منافع ملی است، درحالی‌که دست‌کم این سی‌و‌اندی سال که از انقلاب می‌گذرد، عکس ادعای فوق اثبات می‌شود. پر واضح و روشن است که عزت و اقتدار ایران و ایرانی و پیشرفت‌های علمی و صنعتی و تکنولوژیکی با انقلاب اسلامی به اوج خود رسیده است. راستی اگر انقلاب اسلامی در این سی‌وپنج سال قدرتمند نشده بود، چرا حملات دشمنانش خصوصاً تهاجم رسانه‌ای و فرهنگی و اقتصادی استکبار جهانی روزبه‌روز افزوده‌تر می‌شود؟ اگر ما ضعیف و نحیف شده بودیم، این همه هزینه‌گذاری برای حمله و هجمه به آن لازم نبود. آری در عین پذیرش اینکه برخی نقاط ضعف، که طبیعی هر نظام سیاسی است، باید پذیرفت که این نظام اسلامی روزبه‌روز مقتدرتر و با صلابت‌تر شده است. [23]

اسلام ناب و اسلام آمریکایی

یکی از نکاتی که باید روی آن اصرار ورزید اینکه همواره دشمنان حقیقت سعی می‌کنند آن حقیقت را کنار نهند و اگر نتوانستند

دست‌کم به تحریف و بدل‌سازی اقدام نمایند. درباره‌ی اسلام نیز همین سخن رخ نموده است. در طول تاریخ مخالفین اسلام راستین با طرح اسلام‌های دروغین همواره درصدد مقابله با اسلام بوده‌اند. طرح «اسلام خلافتی» به جای «اسلام نبوی» بعد از رحلت پیامبر یکی از این نمونه‌هاست. پیش از پیروزی انقلاب، عنوان «اسلام شاهنشاهی و آریامهری» نمونه‌ی روشن دیگری است که حتی برخی از روحانیت و مردم را نیز فریفته بود و مهم‌تر از همه اینکه بعد از پررنگ شدن انقلاب اسلامی ایران و شکست استکبار جهانی در جلوگیری و نابودی آن، دشمنان انقلاب، سرانجام سعی کردند با طرح اسلام‌های غیراصیل و آمریکایی و با اهرم بدل‌سازی به مبارزه با این هویت برخیزند. همین امر موجب شد که امام خمینی، با هوشیاری تمام، با طرح و تبیین «اسلام ناب» در برابر «اسلام آمریکایی» و تبیین مؤلفه‌های هر کدام، با این طرح توطئه‌آمیز مقابله کردند. تقریباً از سال 1362 به این سو بود که این دو واژه‌ی سیاسی به کرات از سوی امام خمینی مورد مذاقه و تبیین قرار گرفت. [24] البته پیش از این نیز ایشان با واژه‌ی «اسلام اصیل» در برابر «اسلام غیراصیل» به مسئله ورود کرده بودند. [25] در بیان امام خمینی اسلام ناب، اسلامی استکبارستیز، [26] مدافع پابرهنگان و محرومان، [27] مخالف با پول‌پرستی، [28] تحجرگرایی، [29] و مقدس‌نمایی، [30] و اهل مبارزه و مقاومت [31] است و در مقابل، اسلام آمریکایی اسلامی سلطنتی، [32] التقاطی، [33] متحجرانه [34] اهل سرمایه‌داری، [35] خدانشناس [36] مدافع مرفهان بی‌درد [37] اهل تجمل و التقاط و سازش و فرومایگی [38] و خرافه [39] و اسلام ملاهای کثیف درباری، [40] اسلام مقدس‌نماهای بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، [41] اسلام فریب و سازش و اسارت [42] و اسلام ذلت و نکبت [43] است [44] و در یک کلام، اسلام آمریکایی اسلامی است که هیچ تعهد اجتماعی و مسئولیت انسانی را در عرصه‌ی جهانی و اجتماعی نمی‌پذیرد.

حفظ جمهوریت و تلاش در جهت مشارکت سیاسی مردم در تمامی عرصه‌ها

اعتقاد به مشارکت و حضور مردم در تمام عرصه‌های سیاسی اجتماعی از عقاید همیشه ثابت امام خمینی است؛ به‌طوری‌که در تاریخ شناخته‌شده‌ی سیاسی این سرزمین، این انقلاب اسلامی را باید نماد تمام‌عیار مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی دانست. به گفته‌ی امام خمینی، مردم این مرز و بوم هیچ‌گاه در نظام‌های سیاسی پیشین، نقش اساسی و روشنی نداشتند و حتی پس از مشروطه، که ندای دموکراسی‌خواهی برخاسته بود، نیز مردم در انتخابات (جز در پاره‌ای محدود از زمان‌ها) هیچ نقشی نداشتند. [45] خصوصاً در دوره‌ی معاصر، سعی استبداد و استعمار همه این بود که مردم از صحنه‌ی سیاسی کشور دور بمانند و خواست واقعی آن‌ها فرصت بروز اجتماعی نیابد و چنانچه بانگی بر اعتراض برداشته می‌شد، هزینه‌ی گزافی مصرف آن می‌گردید. به‌عنوان نمونه، حاصل خیزش مردمی مشروطه حکومت مستبد رضاخانی شد که هر گونه آزادی را خفه ساخت یا نهضت ملی نفت که با کودتای آمریکایی برچیده شد؛ اما انقلاب اسلامی به واقع انقلابی کاملاً مردمی بود، انقلابی که مردم خود سرنوشت خود را رقم زدند.

تأکید امام بر جمهوریت و آرای عمومی، برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی در ابتدای انقلاب، نهادینه کردن انتخابات در قانون اساسی و اتکای تمام نهادهای سیاسی قدرت بر آرا و حضور مردم و نیز برگزاری انتخابات در تمام شرایط سخت، حتی دوران آشوب ابتدای انقلاب یا در زمان دفاع مقدس و زیر بمباران رژیم بعث و نظایر آن به‌خوبی ایمان راسخ امام به مشارکت مردمی را نشان می‌دهد.

گذشته از موارد قانونی، در صحنه‌ی عمل نیز امام خمینی با تأسیس نهادهای مختلف مردمی، مشارکت مردم را نهادینه نمودند که به‌عنوان نمونه، باید یاد کنیم از بسیج و سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، کمیته‌ی انقلاب اسلامی که همگی از بطن جامعه برخاسته‌اند و هدف آن‌ها تسهیل و تأمین مشارکت مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی است.

یکی از واژگان پرکاربرد در زبان ایشان کلمه‌ی «حضور مردم در صحنه» بود که وی بارها و بارها آن را تکرار و تأکید می‌کردند و از آن‌ها می‌خواستند که حضور دائمی در صحنه داشته باشند. امام سرنگونی پهلوی و برقراری نظام اسلامی را محصول همین مشارکت و حضور دائمی می‌دانستند؛ [46] مانند اداره‌ی جنگ، حفظ نظام و جلوگیری از توطئه‌ها و ده‌ها مورد دیگر.

همچنین دقت در واژه‌ی «بسیج» و ابتکار در تأسیس آن در انقلاب اسلامی ایران به‌خوبی بیانگر عمق اعتقاد ایشان به مشارکت سیاسی است که اتفاقاً در سه سطح طرح نموده‌اند؛ «بسیج مردم ایران»، «بسیج مسلمانان جهان» [47] و «بسیج مستضعفان جهان». [48]

اصولاً در اعتقاد رهبر انقلاب، مشارکت سیاسی و تعیین نوع سرنوشت و حکومت سیاسی از حقوق اولیه‌ی ملت شمرده می‌شود: «از حقوق اولیه‌ی هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد.» [49]

ملی‌گرایی

چنان‌که گفتیم، امام خمینی تأکید بسیاری بر قدرت مردمی داشت؛ اما هرگز نباید این مسئله را با ملی‌گرایی در هم آمیخت و یکسان پنداشت، بلکه بالعکس از منظر ایشان ملی‌گرایی نه تنها پتانسیل قدرت ندارد بلکه امری کاملاً ضد قدرت برای جامعه‌ی مسلمین و مخالف اسلام[50] و قرآن و دستورات الهی[51] و «اساس بدبختی مسلمین» است.[52]

و از همه‌ی نکات قابل توجه‌تر و تدبیرتر اینکه، به اعتقاد امام خمینی، کسی که هویت خویش را اول ایرانیت و سپس اسلامی بودن بداند، چنین شخصی کافر خواهد بود. چنان‌که درباره‌ی بختیار این‌گونه بیان داشتند که «[بختیار] مدّعی ملیّت بود و مدّعی این بود که من اوّل ایرانی هستم و دوم اسلام، با اینکه این خودش کفر است.»[53]

درعین‌حال، ایشان میهن‌دوستی و علاقه به وطن و ملت را محترم شمردند و بارها در کلماتشان تعبیر «میهن عزیز»، «میهن از جان عزیز تر ما»[54] و «ملت انقلابی ایران که جانم فدای یک یک آن‌ها [باد]»[55] به چشم می‌خورد. لکن ملیت را در چهارچوب اسلام قبول داشتند؛ چرا که اسلامی بودن، بیش از ایرانی بودن بین افراد ملت ایران روابط مستحکم برقرار کرده است.[56]

پی نوشت ها

- [1]. رک: آل عمران، آیه‌ی 30، الزلزل، 6 تا 8.
- [2]. امام خمینی، جهاد اکبر، ص 50.
- [3]. صحیفه‌ی امام، ج 14، ص 397، ج 11، ص 500.
- [4]. رک: آداب الصلوه، ص 3، انوارالهدایه فی‌التعلیقہ علی الکفایه، ج 1، ص 55. تنقیح الاصول، ج 3، ص 282. شرح چهل حدیث، ص 439. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 141.
- [5]. همو، صحیفه‌ی امام، ج 12، ص 444.
- [6]. رک: صحیفه‌ی امام خمینی، ج 19، ص 179. ج 12، ص 346.
- [7]. همو، صحیفه‌ی امام، ج 10، ص 272.
- [8]. همان، ج 15، ص 72.
- [9]. همان، همان، ج 19، ص 468.
- [10]. همان، ج 19، ص 13.
- [11]. رک: امام خمینی، صحیفه‌ی امام، ج 14، ص 149.
- [12]. همان، ج 20، ص 284.
- [13]. همان، ج 13، ص 385. همان، ج 18، ص 379.
- [14]. همو، جهاد اکبر، ص 49.
- [15]. همان، ج 7، ص 276.
- [16]. همان، ج 7، ص 458.
- [17]. همان، ج 5، ص 236. امام در بیانات مختلف ابراز داشته‌اند که انقلاب اسلامی صددرصد اسلامی است (رک: امام خمینی، صحیفه‌ی امام، ج 8، ص 46).
- [18]. امام خمینی، صحیفه‌ی امام، ج 5، ص 391.
- [19]. همان، ج 1، ص 275.
- [20]. همان، ج 7، ص 459 و 460.
- [21]. امام خمینی، تفسیر سوره‌ی حمد، ص 255.
- [22]. همان، ج 19، ص 9.
- [23]. در این رابطه به سخنان مقام معظم رهبری مراجعه نمایید که در تاریخ مرداد 1390، در جمع مسئولان نظام ایراد فرمودند و با تحلیلی زیبا نقاط قوت و ضعف را برشمردند.
- [24]. واژه‌ی «اسلام آمریکایی» اولین بار در صحیفه‌ی امام خمینی، ج 17، ص 533، مورخه‌ی 21 تیر 1362 و واژه‌ی «اسلام ناب» اولین بار در 31 شهریور 1366، ج 20، ص 392 دیده می‌شود.
- [25]. همان، ج 4، ص 418، ج 5، ص 408، ج 7، ص 153.
- [26]. همان، ج 21، ص 195.
- [27]. همان، ج 21، ص 120.
- [28]. همان، ج 21، ص 195.
- [29]. همان، ج 21، ص 195.
- [30]. همان، ج 21، ص 195.
- [31]. همان، ج 21، ص 11 و 339.
- [32]. همان، ج 21، ص 240.

- [33]. همان، ج 21، ص 240.
- [34]. همان، ج 21، ص 121.
- [35]. همان، ج 21، ص 240 و 121.
- [36]. همان، ج 21، ص 121.
- [37]. همان، ج 21، ص 121.
- [38]. همان، ج 21، ص 145.
- [39]. همان، ج 21، ص 160.
- [40]. همان، ج 21، ص 60.
- [41]. همان.
- [42]. همان.
- [43]. همان.
- [44]. همان، ج 21، ص 240. گفتنی است تمامی این تعابیر نسبت به این دو اسلام، عیناً تعابیر امام خمینی است.
- [45]. همان، ج 4، ص 400؛ ج 14، ص 81؛ ج 6، ص 99.
- [46]. اینکه امام بارها می‌فرمودند «رمز پیروزی و تداوم آن وحدت کلمه است» به‌خوبی بیانگر اعتقاد کامل ایشان به حضور دائمی مردم است.
- [47]. صحیفه‌ی امام، ج 21، ص 89.
- [48]. صحیفه‌ی امام، ج 12، ص 160.
- [49]. همان، ج 4، ص 367.
- [50]. صحیفه‌ی امام، ج 12، ص 334.
- [51]. همان.
- [52]. همان، ج 12، ص 225.
- [53]. همان، ج 11، ص 38.
- [54]. همان، ج 13، ص 243.
- [55]. همان، ج 20، ص 440.
- [56]. همان، ج 4، ص 508.
- حجت‌الاسلام حسن‌علی سلمانیان؛ عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه اندیشه‌ی سیاسی اسلام و دانش‌آموخته‌ی فقه و دکترای مبانی نظری اسلام/

پایگاه تحلیلی تبیینی برهان